



رجعت
از منظر قرآن

محمد ظریف

تهران، ۱۳۹۲

سرشناسه : ظریف ، محمد، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدید آورنده : رجعت از منظر قرآن / محمد ظریف
مشخصات نشر : تهران : راه نیکان ، ۱۳۹۲ .
مشخصات ظاهری : ۲۲۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۹۵-۱
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : رجعت -- جنبه های قرآنی
رده بندی کنگره : ۲۲۲/۴/ظ/۲، ۱۳۹۲ BP
رده بندی دیوبند : ۲۹۷/۴۴
شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۶۸۳۴۸



نشر راه نیکان

بخش اعتقادات

رجعت از منظر قرآن

تالیف : محمد ظریف

چاپ اول : ۱۳۹۲ شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۹۵-۱ ISBN : 978-964-2998-95-1

شماره ثبت مجوز : ۱۲۱۵۱۷۸ قیمت : ۸۰۰۰ تومان

سخن ناشر

یکی از مباحث جنجال‌انگیز و مسائل اعتقادی امامیه، مسئله «رجعت» قبل از قیام قیامت کبری است. که خوشبختانه کثیری از فرهیختگان شیعه چنین وظیفه‌خاطر و حساسی را مورد توجه قرار داده با تدریس و تالیف، شرح و بسط داده‌اند.

اگر بخواهیم براساس آنچه اکابر علماء شیعه در زمینه این جنجال آفرین اعتقادی امامیه که با نقد، رد و بایده‌طرح بوده و هست توضیح یا اشاره‌ای داشته باشیم، باید آغاز گفتار را نوشتار خود را با معنی لغوی و اصطلاحی واژه رجعت آغاز کنیم. که گفته و نوشته‌اند رجعت به معنی بلازگشت است. پس عود روح به سوی بدن و دوباره دیده شدن، رجعت است؛ خواه بعد از زنده شدن به دنیا بیایند، مثل امواتی که مفرقان خدا به اعجاز زنده نمودند که بعضی به عنوان نمونه‌هایی از رجعت نقل کرده‌اند. و یا به قیامت و صحرای محشر حاضر شوند، مثل همه خلایق که در قیامت زنده می‌شوند و در آیات به این دو قسم زنده شدن هر دو، لفظ بازگشت اطلاق شده. اما رجوع به دنیا، مثل «رَبِّ اِرْجِعُونِ لَعَلِّيْ اَعْمَلُ

صالحاً»^۱ و اما رجوع به قیامت «و ظنُّوا أَنَّهُمُ إِلَيْنَا لَا يَرْجِعُونَ»^۲ و... اما نکته‌ای که کمتر به آن دقت شده این است، در آیات لفظ رجوع هر جا که به معنی آخرت و بازگشت به سوی خداست به لفظ «إِلَى» ذکر شده و هر جا که به معنی برگشتن به دنیا است لفظ «إِلَى» ندارد. و چون این لفظ به هر دو گنجه می‌شود به جهت تمیز، حضرات ائمه علیهم‌السلام و علماء لفظ رجعت را در معنی بازگشتن به دنیا غالباً استعمال کردند و زنده شدن در قیامت را به لفظ معاد و غیر آن ادا نمودند.

و در اصطلاح از نظر تخصصان فن یعنی پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت جهانی امام فاطمه علیها‌السلام که دولت آل محمد علیهم‌السلام است به ترتیب رجعت هریک از ائمه طاهرین علیهم‌السلام فرارسد.

آنچه در آغاز بحث رجعت ضرورت دارد توجه داده شود این مهم است که امام صادق علیه‌السلام به آن اشاره نموده، فرموده‌اند: «ان الرجعة ليست بعامه وهي خاصة لا يرجع الا من محض الايمان محضا او محض الشرك محضا»^۳ یعنی «رجعت همگانی نیست، بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می‌گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند».

شروع رجعت در دولت کریمه اهل بیت علیهم‌السلام به بازگشت حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام است که زمین بر حضرتشان شکافت می‌شود و

۱- سوره مؤمنون: آیه ۹۲ یعنی پروردگارا، مرا به دنیا بازگردان تا شاید به تدارک گذشته عمل صالحی به جا آورم.

۲- سوره قصص: آیه ۳۹ یعنی: و چنین پنداشتید که به سوی ما باز نخواهید

گشت. ۳- میزان الحکمه: ۴/ ۱۹۸۴ ح ۶۹۴۱

ایشان به دنیا برمی‌گردند زیرا حضرت امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «اول من نشق الارض عنه و يرجع الى الدنيا الحسين بن علي علیه السلام»^۱ در حدیثی دیگر فرموده‌اند: یزید و کسان او هم خواهند بود.^۲ امام باقر علیه السلام فرموده‌اند حضرت امام حسین علیه السلام در رجعت چندان پادشاهی خواهد نمود که از پیری موهای ابروها بر روی دیده‌اش آویخته شود.^۳ و به فرموده امام صادق علیه السلام حساب خلاق در رجعت پیش از قیامت با امام حسین خواهد بود.^۴

در بحث رجعت که از حساست و اهمیت خاصی برخوردار است باید به دو موضوعی که با رجعت ارتباط پیدا می‌کند توجه داشت:

الف: وجه اشتراک واژه‌ای رجعت که چون «رجع» را به تکرار و بازگشت معنا کرده‌اند^۵ با مبحث «رجعت» در فقه که بازگشت شوهر به همسر خود پس از طلاق است اشتباه نشود.

ب: مهم این که باید توجه داشت گروهی از مسلک سازان بریده از «اهل حق» که آئینی کهن و باستانی است - نیز برای طرح مسأله کهنه شده «زندگی مجدد» یا «بازگشت بعد از مُردن»^۶ اگر از واژه «رجعت» استفاده

- ۱- سفینه البحار: ۳/۳۱۵
- ۲- بحار الانوار: ۵۳/۷۶ ح ۷۸
- ۳- بحار الانوار تاریخ امام ثانی عشر باب الرجعة: ۵۳/۴۴ ح ۱۴
- ۴- همان مأخذ: ۵۳/۴۳ ح ۱۳
- ۵- معجم مقانیس اللغة + قاموس اللغة + صحاح اللغة
- ۶- البته به لحاظ اغراضی به اسلام شبیه‌سازی شده است.
- ۷- به کتاب «زندگی‌های متوالی یا بازگشت مجدد به زمین» تالیف آقای محمدباقر نحوی از نشر راه نیکان رجوع شود.

نکرده‌اند خلط موضوع نمایند. - که بعضاً دیده شده است جهت اسلامی وانمود کردن این تفکر وابسته به تناسخ به «رجعت» اسلامی شیعی نیز استناد نموده‌اند -

ظهور قائم «عجل الله فرجه الشریف»

یکی از موضوعاتی که در بحث رجعت کمتر به آن توجه شده است این مهم می‌باشد که ظهور حضرت امام قائم غائب موجود موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - رجعت نیست؛ زیرا آن بزرگوار از روزی که متولد شده‌اند دنیا را وداع نکرده و هنوز زنده هستند، لکن از نظرها غائب می‌باشند و در دنیا زنده خواهند ماند تا به امر الهی ظاهر شوند. البته بعضی اشاره کرده‌اند بعد از سال‌ها سلطنت، روح مطهرشان به عالم قدس پرواز می‌نماید و چون بعد از وفات دوباره به دنیا برگردند، آن برگشتن رجعت آن بزرگوار است. که این خصوصیات و جزئیات بر بزرگان ما معلوم نیست.

شباهت رجعت به قیامت

بعضی از مفاخر شیعه که صاحب نام و آوازه‌ای هستند و پیرامون مسأله با اهمیت رجعت تحقیقاتی داشته و دارند تحت عنوان «رجعت را شباهت تامی است به قیامت و برزخ» به شباهت‌ها اشاره کرده، متذکر شده‌اند:

الف: در هر دو، عود روح به بدن صورت می‌گیرد.

ب: در رجعت نیز مثل صحرای قیامت از اهل رجعت حساب می‌کشند.

ج: در رجعت مانند صحرای قیامت تقاص و تلافی هست؛ و لذا گفته‌اند رجعت قیامتی است صغری و قیامت رجعتی است کبری. به هر روی رجعت یکی از مراتب قیامت است؛ و از امامان اهل بیت علیهم‌السلام روایت شده که «ایام الله» سه روز است. روز ظهور، روز رجعت و روز قیامت.

موضوع دوم

که بسیار حساس است در ارتباط با فتنه فرقه‌سازی در تشیع می‌باشد که باستعمارگران روس تزار و انگلیس از ضعف امپراتوری عثمانی استفاده کرده طرح اسلام بدلی‌سازی در اجتماعات اهل تسنن و تعمیم دادن مقامات مخصوصه ائمه معصومین علیهم‌السلام را در تضعیف مسأله مهدویت، نهایتاً مرجعیت شیعه با عناوین «قطبیت» معروف در تصوف تشکیلاتی، «رکنیت» مرسوم در شیخیه و «مهدویت» در انحصار شیعه، جهان تشیع را گرفتار فتنه مسلک‌سازی نمایند.

در ارتباط با اسلام غیر شیعی که پیروان مشرب فقهای اربعه اهل تسنن باشند، به مستر همفر جاسوس معروف انگلیس مأموریت دادند و او محمد بن عبدالوهاب را آماده منظور و مقصود یافت، بعد از مدتی مجالست و القانات لازمه او را واداشت تا با وعده حمایت پولی، سیاسی و نظامی انگلیس‌ها در مرکز وحی، تحت شعار مبارزه با شرک و الحادی که رواج یافته، مقصود و منظور سران سلطه جوی انگلیس را تأمین نماید. محمد بن عبدالوهاب با شیطنت خاص به خود از «سلفی‌گری»

الگو برداری نموده اسلام انگلیسی را که همان وهابیت می باشد بین «مالکیان»، «حنبلیان»، «شافعیان» و «حنفیان» رواج داد. که از همان روز ابداع، دین رسمی سران حکومت آل سعود برگزیده انگلیس ها گردید.

اشاره کردیم که این طرح انگلیسی ضد اسلامی به جامعه اهل تسنن خلاصه نشد، بلکه در ارتباط با تشیع، شیخیه را که دست ساخته امپراتوری عثمانی برای برخورد و تضعیف و تخریب تشیع درست شده بود مقدمه ای جهت «بابی گری» نمود. ولی کار مسلک سازی در رابطه با تشیع به بابی گری خلاصه نشد، بلکه انگلیس خبیث «بابی گری» را زمینه ای برای مسلک استعماری بهائیت نمود و برای ربط دادن این دو فرقه انگلیسی روسی به تشیع «بابی گری» را بر اساس ادعای «باب» امام زمات - روحی فداه - به وجود آوردند و بهائیت را با ادعای «رجعت حسینی» که حسینعلی نوری پادوی سفارت روس تزار در ایران داشت رواج دادند.

در واقع انگلیس، روس تزار و عثمانی دیر روز با اعزام جاسوسانی به ایران و عراق عرب در ارتباط با تشیع و شبه جزیره عربستان در رابطه با اهل تسنن فتنه ای به راه انداختند که جز به خاک و خون کشیدن کاری نداشته و ندارند. و لذا باید توجه داد مسأله «رجعت» سند حقیقت دعاوی باطل و لاطائلات گوئی و اباطیل بافی حسینعلی نوری معروف به بهاء نشود.

و اما در بحث رجعت نخست باید به اثبات آن پرداخت که می توان

۱- شیخیه زمینه ساز بابیه تالیف آقای سید محمد حسین ققیه ایمانی مطالعه شود.

به ادله اربعه: «قرآن»، «روایت» تعریف‌کننده سیره و سنت عملی چهارده معصوم علیهم‌السلام «اجماع» و «عقل» رجعت را ثابت کرد.

در مورد اثبات رجعت به آیات قرآن رساله‌ای که در دست دارید بهترین گواه کفایت‌کننده است. و جهت ریشه داشتن آن در ادیان ابراهیمی به استاد نقل قرآن، ماجرای دعای حزقیل نبی و وصی سوم حضرت موسی علیه‌السلام در مورد طاعون‌زدگان شهری از شام که بعد از مرگ زنده شدند و قصه عزیر که صدسال مُرد و بعد زنده شد یا واقعه اصحاب کهف و چهار مرغی که حضرت ابراهیم علیه‌السلام کشت و بعداً زنده شدند همه نمونه‌ای از شواهد قرآنی است که ثابت‌کننده قدمت رجعت در ادیان ابراهیمی می‌باشد.

در ارتباط با دلیل روائی، دومین رکن از ادله اربعه نیز مفاخری که پیرامون رجعت تحقیقاتی داشته‌اند بر این عقیده بوده و هستند که اخبار و روایات زیادی در این باب رسیده است. این تذکر لازم و ضروری است که در باب اثبات رجعت با روایات و احادیث به سبب اختصاص ندارد؛ زیرا احادیث عامه که مورد استناد و استدلال اهل تسنن می‌باشد تائیدکننده رجعت است. برای نمونه:

طبری که از مشاهیر اهل سنت می‌باشد از ابوسعید نقل می‌کند حضرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «شما شبیه‌ترین امت‌ها به بنی اسرائیل هستید [البته بنی اسرائیل نه اسرائیلیان تجاوزگر غاصب] تا حدی که هر چه بر آنان

گذشته است بر شما هم خواهد گذشت»^۱ و در صحیح ترمذی نیز حدیثی به همین معنی را عبدالله بن عمر از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است. اگر بسخواهیم به آنچه امت اسلامی را شبیه‌ترین امت‌ها به بنی اسرائیل می‌نماید به دست آوریم، فقط و فقط در ذیل حدیث به مسأله شباهت رجعت اسلامی با رجعت در بنی اسرائیل اشاره کرده‌اند مانند ماجرائی که در عصر حزقیل نبی رخ داد و حضرت امام باقر علیه السلام نیز به آن اشاره نموده‌اند.^۲

و در ارتباط با احادیث خاصه که به شیعه مربوط می‌شود نیز احادیثی در متون روایی به ثبت رسیده، برای نمونه این بابویه روایت می‌کند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «هر آنفانی که در بنی اسرائیل رخ داد بدون ذره‌ای کم و زیاد در این امت هم رخ دهد»^۳ برحوم کلینی نیز از ابوبصیر روایت کرده است که حضرت امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «خدا هیچ چیز به سایر پیامبران نداد مگر این که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله هم عطا فرمود»^۴.

برای این که شرحی در ارتباط با رجعت و دو حدیث فوق ارائه داده باشیم، به حدیث امام صادق علیه السلام استدلال می‌کنیم که فرموده‌اند: خداوند فرزندان ایوب را که مُرده بودند با اموالش که تلف شده بود به وی بازگرداند» و سپس ماجرای عُزَیْر را که مُرد و زنده شده نقل نموده‌اند و در

۱- صحیح بخاری: ۴/۲۶۴ + صحیح مسلم، کتاب العلم: ۶ + سنن ابن ماجه:

۲- ۱۳۲۲/۲ ح ۳۹۹۴ + مسند احمد: ۳/۳۲۷ و ۴۵، ۸۴/۳

۳- کافی: ۱۹۸/۸ + تفسیر عیاشی: ۱/۱۳۰

۴- اصول کافی: ۱/۱۷۵

پی ماجرای آنهایی که جهت فرار از مرگ ترک اقامتگاه خود کردند، خداوند آنها را می‌راند و باز زنده کرد و آنگاه می‌فرماید: «آنان که به اینها اقرار دارند چگونه رجعت در دنیا را منکر می‌شوند؟ در صورتی که پیامبر فرمود: هیچ چیز در امت پیغمبران گذشته واقع نشده، جز این که در امت من هم واقع شود»^۱.

از حضرت امام رضا علیه السلام روایاتی در این زمینه داریم برای نمونه در جواب مأمون که از رجعت سؤال می‌کند، می‌فرماید: «حق است حق است»^۲.

و این که فرموده‌اند: «مؤمن حقیقی کسی است که به چند موضوع اقرار کند: ۱- اقرار به یگانگی خداوند، اقرار به رجعت و دو متعه (حج و نساء)، ایمان به معراج، سؤال در قبر و حوض شفاعت و فعلی بودن بهشت و جهنم، صراط، میزان، قیامت، جزا و حساب»^۳.

اثبات رجعت به اجماع

صرف نظر از آنچه که پیرامون کلمه «اجماع» در علم اصول مطرح است در یک توضیح اتفاق تمام علماء در یک زمان را اجماع می‌نامند. البته گاهی هم توضیح می‌دهند اجماع اتفاق آرایی است که کاشف از قول امام باشد، هرچند عدد اشخاص به دو نفر خلاصه شود. اجماع را به این معنا

۱- ایقاظ من الهمجة برهان علی الرجعة / شیخ حر عاملی ترجمه آقای احمد

۲- عین اخبار الرضا علیه السلام: ۱۲۱/۱

جنتی: ۱۰۸

۳- بحار الانوار: ۱۲۱/۵۳

به اجماع «حسی»، اجماع «اجتماعی»، اجماع «لطفی»، اجماع «حدسی»
 اجماع «تقریری» تقسیم کرده‌اند.^۱

از آنچه در دسترس داریم فهم می‌شود اعتقاد به رجعت از عقاید
 یقینی علمای شیعه است؛ اگرچه این سخن بدان معنا نیست که در کیفیت و
 زمان آن، میان آنها اختلاف نظر وجود ندارد. چرا که هریک از آنها، این
 مسئله را بر اساس مانی علمی و حوزه تخصص خود بررسی کرده و در
 اثبات آن کوشیده‌اند.

به هر روی شخصیت‌های بلند پایه شیعی مانند ابن بابویه قمی^۲ شیخ
 قدیس مفید^۳ سید مرتضی علم الهدی^۴ مرحوم طبرسی^۵ علامه
 ملا محمد باقر مجلسی^۶ شیخ طریحی^۷ شیخ حر عاملی^۸ سید ابوالحسن
 اصفهانی^۹ بر این که رجعت از ضرورت امامیه است و حق می‌باشد اجماع
 کرده‌اند.

دلیل از عقل

هر چند بعضی بر این عقیده‌اند اثبات عقلی رجعت، شخص را دچار
 مشکلات عدیده می‌کند؛ که بعضاً عبور از آنها برای هر شخص امکات پذیر
 نبوده است. و متقابلاً کثیری هم به استناد دلائلی که ارائه داده‌اند بر این

۱- می‌توانید به رسائل شیخ اعظم انصاری و اصول الفقه مظفر رجوع نهانید.

۲- الشیعه و الرجعه ۵۰- اوایل المقالات:

۳- الشیعه و الرجعه: ۲۸۰ ۴- تفسیر مجمع البیان: ۲۳۴/۷

۵- رساله اعتقادات: ۹۱ ۶- مجمع البحرین، ماده رجعت= ۳۹۴

۷- الشیعه و الرجعه: ۲۵۱/۲ ۸- همان مأخذ: ۲۸۴/۱

عقیده‌اند «به رغم اختلاف نظرها، رجعت از دیدگاه امامیه امری است طبیعی و کاملاً قهری و منطبق با عقل و برهان؛ هرچند که باید باورهای عامیانه را از آن دور کرد». ^۱ یا متذکر شده‌اند «رجعت یکی از حوادثی است که واقع خواهد شد و از نظر عقل قابل انکار و حکم به عدم امکان نیست».

علامه حکیم آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن رفیعی قزوینی - طاب ثراه - در رساله‌ای که بنابر تقاضای جمعی از افاضل تلامذه خود درباره رجعت تحت عنوان «بحث شریف رجعت به دلایل عقلی» تدوین نموده، می‌نویسد: «برهوشمان عاقل، هویدا و آشکار است که هر مطلبی از مطالب اعتقادیه تا به مقام ادراک عقلایی بهانه‌نی نرسد و در قوه عقلیه حدود و شئون آن سنجدیه نشود، اعتقاد قطعی یقینی به آن محال است».

جزئیات رجعت

یکی از مباحث بسیار حساس که گاهی با سلیقه‌های عوام مردم تعریف شده است و متأسفانه بعضاً بدون توجه در بحث رجعت مورد استدلال و استناد غیر متخصصان قرار گرفته است، جزئیاتی می‌باشد که هنوز مطرح می‌شود. و شاید بعضی از آن افرادی که مسأله رجعت را زیر سؤال برده‌اند

۱- دائرة المعارف تشیع: ۱۱۵/۸

۲- معارف دین؛ آیه‌الله شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی: ۲۱۸/۲

۳- رساله رجعت درج در مجموعه رسائل آن مرحوم به نام غوصی در بحر

معرفت: ۷۱

به لحاظ توجه نداشتن به اینگونه موضوعات سلیقه‌ای یوده است. در صورتی که اگر رجعت را از جمله ضروریات مذهب حقه امامیه دانسته‌اند و تاکید داشته‌اند نباید انکار کرد، به این نیز توجه داده‌اند که «جزئیات و خصوصیات رجعت بر ما معلوم نیست»^۱ بلکه به اعتبار بعضی از اظهار نظرهای مشاهیر علماء شیعه، تا حدودی که روایات به بیان جزئیات رجعت پرداخته‌اند می‌توان اظهار نظر نمود^۲ برای نمونه عده‌ای بر این عقیده‌اند هر پیغمبری که خدا مبعوث گردانیده از آدم و هرکه بعد از او است، جمیع ایشان را برمی‌گردانند به دنیا تا در پیش روی حضرت امیر علی^{علیه السلام} قتال و جهاد کنند و به اعتبار کلامی که منسوب به حضرت امیر می‌دانند، ادعا کرده‌اند آن زرتواد رجعت بسیار خواهد نمود و یا متذکر شده‌اند خوراک دشمنان اهل بیت علیهم السلام در رجعت غذره انسان خواهد بود و...

البته این نوع خصوصیات و جزئیات در کتب پیرامون رجعت به استناد روایات آمده است، ولی به اعتبار اظهار آیت‌المراده معظم جناب شیخ نجم‌الدین طبری چون «از طرفی بعضی از آن‌ها با هم تعارض دارند»^۳ نمی‌توان اعتماد کرد. در آنچه تردید نیست و بزرگان شیعه بعد از تحقیقات وسیعی اظهار داشته‌اند «رجعت در امت مرحومه (مسلمین) واجب است»^۴

۱- استفتانات آیه‌الله سید محمد صادق روحانی: ۲۱۷/۳

۲- مسائل روز؛ آیه‌الله سید ابراهیم میلانی: ۹۹

۳- رجعت از نظر شیعه: ۱۱۱

۴- تفسیر منهج الصادقین، ملافتح‌الله کاشانی: ۱۱۷/۶ ذیل آیه ۹۵ سوره انبیاء

مسلماً برای آنهایی که

به گیتی مزن جز به نیکی نفس قدم زن تو در راه نیکان و بس
را آویزه گوش جان نموده اند سعادت در رکاب خوبان از ما بهتران امت
ختمی مرتبت سَلَامَةُ عَلَیْهِمُ وَالصَّلَاةُ را همراه دارد.

مدیر

نشر راه نیکان

۱۱/فروردین/۱۳۹۲

www.ketab.ir

فهرست مطالب کتاب

| | | |
|----|-------|-----------|
| ۲۳ | | مقدمه |
| | | آیات رجعت |
| ۳۳ | | بقره |
| ۵۶ | | آل عمران |
| ۶۶ | | نساء |
| ۶۹ | | مائده |
| ۷۱ | | انعام |
| ۷۳ | | اعراف |
| ۸۰ | | توبه |
| ۸۳ | | یونس |
| ۸۱ | | هود |
| ۹۰ | | ابراهیم |
| ۹۱ | | حجر |
| ۹۴ | | نحل |
| ۹۷ | | اسراء |

| | |
|----------|--------|
| ۱۰۵..... | کَهِف |
| ۱۰۸..... | مَرِیم |
| ۱۱۱..... | طه |
| ۱۱۳..... | انبیاء |
| ۱۱۷..... | مؤمنون |
| ۱۱۸..... | زور |
| ۱۲۱..... | شعراء |
| ۱۲۲..... | نمل |
| ۱۲۹..... | قصص |
| ۱۳۶..... | روم |
| ۱۳۷..... | سجده |
| ۱۴۱..... | سبا |
| ۱۴۴..... | یس |
| ۱۴۷..... | غافر |
| ۱۵۲..... | شوری |
| ۱۵۳..... | زخرف |
| ۱۵۴..... | دخان |
| ۱۵۵..... | جاثیه |
| ۱۵۶..... | احقاف |
| ۱۵۹..... | ق |
| ۱۶۱..... | ذاریات |
| ۱۶۳..... | طور |

| | | |
|-----|-------|--------|
| ۱۶۴ | | نجم |
| ۱۶۵ | | قمر |
| ۱۶۶ | | ممتحنه |
| ۱۶۸ | | قلم |
| ۱۶۹ | | معارض |
| ۱۷۰ | | جن |
| ۱۷۳ | | مدثر |
| ۱۷۵ | | نباء |
| ۱۷۷ | | نازعات |
| ۱۸۰ | | عبس |
| ۱۸۱ | | طارق |
| ۱۸۳ | | شمس |
| ۱۸۵ | | والضحی |
| ۱۸۶ | | تکواثر |

دسته بندی آیات

| | | |
|-----|-------|---|
| ۱۸۷ | | ۱- آیاتی که دلالت بر مطلق رجعت دارند |
| ۱۹۲ | | ۲- آیاتی که دلالت بر رجعت در امتهای پیشین و پیشینیان دارند |
| ۱۹۷ | | ۳- آیاتی که دلالت بر رجعت پیامبران <small>صلی الله علیه و آله</small> دارد |
| ۲۰۰ | | ۴- آیاتی که دلالت بر رجعت رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> دارند |
| | | ۵- آیاتی که دلالت بر رجعت رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> و ائمه طاهرين <small>علیهم السلام</small> دارند |
| ۲۰۲ | | |

- ۶- آیاتی که دلالت بر رجعت ائمه طاهرین علیهم السلام دارند..... ۲۰۲
- ۷- آیاتی که دلالت بر رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام دارد..... ۲۰۳
- ۸- آیاتی که دلالت بر رجعت امام حسین علیه السلام دارد..... ۲۰۵
- ۹- آیاتی که دلالت بر رجعت بعضی از افراد غیر پیامبران و ائمه طاهرین علیهم السلام دارد..... ۲۰۶
- ۱۰- آیاتی که دلالت بر رجعت کافران و ستمگران و دشمنان اهل بیت علیهم السلام دارند..... ۲۰۷

www.ketabon.com

مقدمه

اللَّهُمَّ إِنِّي خَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ
حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَخَرِّجِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي، شَاهِرًا
سَيِّفِي، مُجَرَّدًا فَتَانِي، مُلَيِّبًا دَعْوَةَ الدَّاعِي.

خداوندا اگر میان من و ظهور مولا یح مرگ که آن را بر بندگان حتمی و ناگزیر قرار داده‌ای فاصله انداخت، به لطف و کرمت و به قدرت بی‌نهایت مرا از میان قبر بیرون آور، در حالی که کفنم را به خود پیچیده و شمشیرم را از نیام خارج ساخته و نیزه‌ام را به دست گرفته، دعوت آن دعوت کننده را التییک گویم.^۱

راستی چه قدر سخت و طاقت فرسا است عمری را در حال انتظار سپری کردن و در این انتظار جان سپردن، و چه قدر تلخ و جانکاه است مردن برای کسی که چشم به راه است، اما آنچه این سختی را آسان و این تلخی را در ذائقه شیرین می‌گرداند امید به رجعت

۱ - فرازی از دعای عهد است، تمام این دعا را در کتاب پراچ مفاتیح الجنان، و کتاب ارزشمند مکیال المکارم: ج ۲، ص ۸، ح ۱۰۴ ملاحظه فرمایید.

است. رجعت بشارتی است بزرگ برای منتظران، به منتظر امید می‌دهد که اگر عمر او مجال نداد تا ظهور موفور السرور مولایش را درک کند خداوند قادر است او را دوباره به این عالم بلازگرداند و دیدگان او را به دیدار آن ولی الله اعظم روشن فرماید و در صف یاران و جان نثاران حضرتش قرار دهد تا امام خود را یاری نماید و شاهد دوران باسکوه ظهورش باشد و پیروزی حکومت حق و برقراری عدل را به همراه دوستان آن حضرت جشن بگیرد و دل داغ‌دیده را با گرفتن انتقام از دشمنان آن حضرت تسلی دهد. در فرازی از زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام آمده است:

مَوْلَايَ فَإِنَّ أَدْرَكْنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظَهْرِكَ ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَ
بِأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ، وَأَسْتَلُّهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظَهْرِكَ ، وَرَجْعَةً
فِي أَيَّامِكَ لِأَتُبَلِّغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي ، وَأَشْفِيَ مِنْ أَعْدَائِكَ
قُودِي .

اگر پیش از فرا رسیدن ظهورت مرگ مرا دریابد به وسیله تو و پدران بزرگوارت به درگاه الهی متوسل می‌شوم و از او درخواست می‌نمایم که بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات فرستد و برای من بازگشتی در ظهورت و رجعتی در روزگارت قرار دهد تا به مقصود خود در زمینه اطاعت تو برسم و دلم با انتقام از دشمنانت تشفی پیدا کند و خنک

شود.^۱

رجعت آینده‌ای روشن را به منتظر نوید می‌دهد و به او این مژده را می‌دهد که اگر عمری در فراق حضرتش سوختی و در میان دلسوختگان دیگر ناله کردی و آه کشیدی و بادل پردرد دعا کردی و طعنه دشمنان را تحمل نمودی و استقامت ورزیدی و در راه انتظار ثابت قدم ماندی، این زحمات تو سرانجام ثمر خواهد داد و روزی به آرزو خواهی رسید.

مفضل که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام است و یکی از کسانی است که به او مژده رجعت داده‌اند، می‌گوید: در محضر آن حضرت صحبت از امام قائم علیه السلام به میان آمد و این سؤال مطرح شد که کسانی که در حال انتظار حضرتش جان سپرده‌اند، حالشان چگونه خواهد بود؟ امام علیه السلام فرمودند:

إِذَا قَامَ أَيُّ الْمُؤْمِنِ فِي قَبْرِهِ فَيُنَادِي يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ
صَاحِبُكَ فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ.

هنگامی که مهدی موعود علیه السلام قیام کند مأمور الهی در کنار قبر مؤمن می‌آید و به او می‌گوید: فلانی، صاحب تو و مولای تو ظاهر گشته است اگر می‌خواهی به آن حضرت ملحق شوی، ملحق شو.^۲

اعتقاد به رجعت یکی از عقاید مسلم و تردیدناپذیر ما است. آنگاه که زیارت آل یس می‌خوانیم و عقاید خویش را اظهار می‌نماییم به

۲ - بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۹۱، ح ۹۸.

۱ - بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۹۵.

مولای خویش عرضه می‌داریم:

وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا.

گواهی می‌دهم که رجعت شما حق است و هیچ‌گونه شکّی در آن نیست.

هنگامی که به حرم امامان خویش شرفیاب می‌شویم و توفیق زیارتشان نصیب ما می‌شود، در محضر انورشان در ضمن زیارت جامعه عرض می‌کنیم:

مُؤْمِنِينَ يَا أَيُّهَاكُمْ، مُصَدِّقٍ بِرَجَعَتِكُمْ، مُتَنظِّرٍ لِأَمْرِكُمْ...

من به بارگشت شما ایمان دارم و رجعت شما را تصدیق می‌نمایم، در انتظار امر شما و چشم به راه دولت شما هستم.

در فرازی دیگر از همین زیارت عرض می‌کنیم:

وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ آثَارَكُمْ، وَيَسْأَلُكَ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي بِهُدْيِكُمْ، وَيُحْشِرُ فِي زَمْرَتِكُمْ، وَيَكْرِ فِي رَجَعَتِكُمْ، وَيَسْمَلُكَ فِي دَوْلَتِكُمْ، وَيَسْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيَسْكُنُ فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيِكُمْ.

مرا از کسانی قرار دهد که در پی آثار شما و منتشر کننده آن است، راه شما را می‌پیماید و به هدایت شما راه را می‌یابد و در زمره شما محشور می‌شود و در رجعت شما باز می‌گردد و در دولت شما حاکمیت پیدا می‌کند و در عافیت شما شرافت داده می‌شود، و در دوران شما تمکن و قدرت

می یابد و فردا چشمانش به دیدار شما روشن می شود.^۱
 کسانی که دوست دارند همواره راهی بر خلاف راه اهل بیت علیهم السلام
 بپویند و سخنی بر خلاف اهل بیت علیهم السلام بگویند، از دیر زمان با این
 مسأله مهم اعتقادی مخالفت نموده و آن را انکار کرده اند و طبیعی
 است که رجعت خوش آیند آن ها نباشد و از شنیدن نام رجعت
 وحشت و واژه داشته باشند تا آن حد که مسلم در صحیح خود از
 جریر تغل می کند که:

جابر بن بزید جعفی را دیدم ولی روایتی از او یادداشت نکردم زیرا
 به رجعت معتقد بود.^۲
 ولی انکار آن ها خدشه ای در این حقیقت وارد نمی کند، رجعت
 واقعیتی است مسلم و قطعی که بر اساس آیات فراوانی از قرآن
 استوار است، روایاتی که در این زمینه از ائمه طاهرين علیهم السلام به ما
 رسیده است در حدّ تواتر می باشد.
 مرحوم طبرسی در تفسیر خود به هنگام بحث از رجعت
 می فرماید:

وقد تظافرت الأخبار عن أئمة الهدى من آل محمد عليه
 وعليهم السلام في أن الله تعالى سيعيد عند قيام الهدى قوماً
 ممن تقدم موتهم من أوليائه وشيعته ليفوزوا بنواب نصرته
 ومعوته ويبتهجوا بظهور دولته، ويعيد أيضاً قوماً من
 أعدائه لينتقم منهم.

۱ - تمام این زیارت را می توانید در کتاب ارزشمند مفاتیح الجنان مطالعه فرمایید.

۲ - صحیح مسلم: ج ۱، ص ۲۰.

از ائمه طاهرين عليهم السلام به طور متواتر روايت شده كه خداوند تبارك و تعالى به هنگام قيام مهدى موعود عليه السلام گروهى از دوستان و شيعيان آن حضرت را كه قبلاً ديده از جهان فرو بسته اند به دنيا باز مى گرداند تا آن حضرت را يارى كمنند و به پاداش نصرت وى نائل شوند و حكومت پرافتخار او را بينند و مسرور شوند و گروهى * از دشمنان آن حضرت را نيز بر مى گرداند تا از آنها انتقام گرفته شود.^۱

مرحوم شيخ حرّ عاملى صدها روايت در كتاب گرانسنگ خود «الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة» در اين رابطه نقل کرده و فرموده است:

احاديث رجعت متواتر است و هرگز قابل خدشه و تاويل نيست.^۲
مرحوم علامه مجلسى فرموده است:

اذا لم يكن مثل هذا متواتراً ففي أي شيء يمكن دعوى التواتر؛
اگر احاديث رجعت متواتر نباشد پس در هيچ مورد ديگرى نمى توان ادّعاى تواتر نمود.^۳

۱ - مجمع البيان: ج ۷، ص ۲۳۴؛ بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۲۶؛ الايقاظ من الهجعة: ص ۲۵۰ ح ۲۸؛ عوالم العلوم: ج ۴، ص ۴۴۲، ح ۲۸۱۲؛ تفسير كنز الدقائق: ج ۹، ص ۵۹۵.
۲ - الايقاظ من الهجعة: ص ۱۲۰.

۳ - بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۲۳.

همه علمای امامیه بلکه همه شیعیان بر این حقیقت مهم اجماع نموده‌اند یعنی متفق القول هستند.

شیخ حرّ عاملی در مقام استدلال بر صحّت رجعت می‌فرماید:

دلیل چهارم بر صحیح بودن رجعت، اجماع عموم شیعه امامیه و اتفاق همه طوائف اثناعشریه بر صحت آن است که در میان علمای شیعه از گذشته تاکنون کسی با آن مخالفت نکرده است.^۱

شیخ مفید رحمته الله عقیده به رجعت را مورد اتفاق همه شیعیان دانسته است.^۲

و شیخ طبرسی رحمته الله فرموده است:

همه شیعیان امامیه در مورد رجعت اجماع دارند.^۳

علمای بزرگوار شیعه از دیر زمان تاکنون کتاب‌های بسیاری در زمینه رجعت و اثبات آن نوشته‌اند:

مرحوم آقابزرگ طهرانی در کتاب الذریعة^۴ بیست کتاب به عنوان اثبات الرجعة نام می‌برد که شاید قدیمی‌ترین آثار تألیف فضل بن شاذان متوفای سال دویست و شصت (ه. ق.) باشد.

در مقدمه کتاب «الایقاظ من الهجعة» بیست و نه کتاب نام برده

۱ - الایقاظ من الهجعة: ص ۳۳. ۲ - اندیشه‌های کلامی شیخ مفید: ص ۳۵۵.

۳ - مجمع البیان: ج ۷، ص ۲۳۵. ۴ - الذریعة: ج ۱، ص ۹۰.

۵ - یکی از راویان و شخصیت‌های بزرگ شیعه که از اصحاب حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بوده و عمر با برکتش را در راه دفاع از مکتب نورانی اهل بیت علیهم السلام سپری نموده دارای صد و هشتاد اثر ارزنده است.

شده است که در زمینه رجعت و اثبات آن نگارش یافته است. و از مجموع آن‌ها استفاده می‌شود که رجعت از ضروریات مذهب شیعه است و منکر آن در حقیقت منکر قدرت پروردگار است. خداوندی که قادر است همهٔ خلق را از اولین و آخرین بایک فرمان از میان قبرها بیرون آورد و همه را برای حسابرسی در محشر گرد آورد، قادر است که عده‌ای را با فرمان خویش برانگیزد و آن‌ها را برای مطالبی که در نظر دارد در ظهور امام عصر علیه السلام حاضر گرداند. همان طور که قرآن کریم فرموده است:

﴿وَيَوْمَ نَخْتَرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾^۱

روزی که از هر امتی گروهی را برمی‌انگیزیم.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

وَإِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ بَلْ هِيَ خَاصَّةٌ، لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ
مَحَضَّ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَّ الشُّرْكَ مَحْضًا.

رجعت عمومی و فراگیر نیست بلکه خاص است، تنها کسانی که مؤمن محض یا مشرک محض باشند، رجعت می‌کنند.^۲

کسی اعتقاد به رجعت دارد که معتقد است در زمان ظهور حضرت حجة بن الحسن علیه السلام عده‌ای از مؤمنان خالص همچون سلمان،

مقداد، جابر بن عبد الله انصاری، ابودجانہ انصاری، مالک اشتر، مفضل، حمران بن اعین... و عده‌ای از کافران محض همچون غاصبان حق امیر المؤمنین و قاتلان حضرت سید الشهداء به دنیا باز می‌گردند، تا گروه اول با دیدن دولت باشکوه امام خویش دیدگان‌شان روشن شود و با قرار گرفتن در زیر پرچم پیروزمند آن حضرت به آرزوی دیرینه خود برسند و شاهد فتح نمایان حجّت الهی باشند و با چشم خود مشاهده کننده که چگونه از دشمنان اهل بیت مخصوصاً دشمنان حضرت صدیقه کبری فاطمه علیها السلام و کسانی که امیر المؤمنین علیه السلام را از حق خویش محروم نمودند انتقام گرفته می‌شود، و گروه دوم آنچه را که نمی‌خواستند و مایل نبودند ببینند، یعنی عزت و عظمت اهل بیت علیهم السلام را با حسرت مشاهده کنند و شاهد ذلّت و خواری و رسوایی خویش باشند و با دست توانای شیعیان باز آن‌ها انتقام گرفته شود، و به بعضی از کیفرهای خود در دنیا برسند.

ما پس از جمع آوری آیاتی که به قیام امام قائم علیه السلام تأویل شده، بر آن شدیم که برای تکمیل بحث آیات رجعت را نیز به ترتیب سوره‌های قرآن کریم جمع آوری نماییم، البته اعتراف می‌کنیم که در هر دو مورد کار تازه‌ای نکرده‌ایم، بلکه بر سر سفره‌ای که پیشینیان رضوان الله علیهم اجمعین گسترده‌اند نشسته‌ایم و از زحمات آن بزرگمردان استفاده کرده‌ایم و فقط شاید بتوان گفت که قلم را عوض کرده‌ایم و الفاظ را تغییر داده‌ایم به زعم اینکه

شاید ساده‌تر و روان‌تر گردد و فهم آن برای عموم راحت‌تر باشد. خداوند به همه کسانی که از ابتدای غیبت امام عصر علیه السلام تا کنون در حفظ آثار اهل بیت علیهم السلام و نشر آن کوشیده‌اند جزای خیر مرحمت نماید و ما را قدردان و جود آنان قرار دهد.

در خاتمه وظیفه خویش می‌دانم از مدیر محترم نشر راه‌نیکان و همه کسانی که ایشان را به نوعی یاری می‌نمایند تشکر نمایم و توفیق بیشتر این عزیزان را در راه یاری قران و دین و نشر آثار ائمه طاهرین علیهم السلام و جلب رضایت فرمان‌روای کل زمان و زمین، از درگاه ربوبی مسألت نمایم.

محمد ظریف